صاحبان امر کیستند؟

نویسنده: محمدجواد تبریزی

بهره‌ای از آیه اولوالامر قرآن کریم

اشاره: آیه اولوالامر یکی از آیات مهم و اساسی قرآن می‌باشد که دیدگاه اجتماعی و سیاسی مسلمانان را کامل می‌کند. در این آیه بیان شده است که انسان‌ها باید در امورات زندگی اجتماعی خود، جهت رسیدن به خوشبختی و سعادت از چه کسانی اطاعت نمایند. این آیه مسئله اساسی زندگی اجتماعی مسلمانان یعنی چگونگی اطاعت و فرمانبرداری از رهبران دینی و لزوم این اطاعت را بیان نموده است. اولوالامر و صاحب الامر از قرآن سوره نساء آیه 59 گرفته شده است: «یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرّسول واولی الامر منکم فانّ تنازعیم فی شیءٍ فردّوه الی الله والرّسول ان کنتم تومنون بالله والیوم الاخر ذلک خیرٌ و احسن تاویلاً». ای کسانی که ایمان آورده‌اید از خدا اطاعت نمایید، و از رسول و صاحبان امر اطاعت کنید، اگر در موضوعی نزاع داشتید به خدا و رسول مراجعه کنید. اگر به خدا و روز جزا ایمان دارید، این کار برای شما خوب و عواقب نیکویی در بردارد.‌

آیه مذکور دلالت می‌کند که بر مومنان واجب است از سه نفر اطاعت نمایند: خدا، رسول و اولوالامر. اطاعت از این سه نفر برای تمامی مسلمانان واجب می‌باشد چرا که خصیصه مشترک این سه، مصونیت از گناه و خطا و اشتباه می‌باشد. وجوب اطاعت خدا یکی از احکام عقلی وجدانی است، عقل هر کس گواهی می‌دهد که بشر باید در مقابل احکام و قوانین الهی خاضع و مطیع باشد و بدون چون و چرا آنها را به کار بندد، زیرا خدا خالق و مالک همه موجودات می‌باشد و اختیار دار آنهاست. اگر برایشان وظیفه ای تعیین کرد باید عمل کنند. احکام و قوانین خدایی مستقیماً به دست مردم نمی رسد بلکه به وسیله پیغمبران فرستاده می‌شوند، پیغمبر قانونگذار و تشریع کننده نیست، هیچ حکم و قانونی را از پیش خود برای مردم تشریع نمی‌کند. بلکه کلیه احکام و قوانین دین را از راه وحی دریافت می‌کند و از جانب خدا به مردم ابلاغ می‌نماید. انسان‌ها باید بدون چون و چرا از احکام و قوانین الهی که خداوند یگانه از طریق وحی و کتاب آسمانی قرآن برای آنها مشخص نموده است، اطاعت نمایند. هر چند فلسفه و حکمت بسیاری از این قوانین و آیات برای آنها قابل درک نباشد چرا که علم و درک خداوند از تمامی مسائل و موجودات جهان هستی نامحدود و فوق تصور انسان است.‌

خداوند در سوره نجم آیه 4 می‌فرماید: «و ما ینطق عن الهوی انّ هو الّا حی یوحی علّمه شدید القوی». پیغمبر از پیش خود سخن نمی‌گوید، هر چه می‌گوید فقط وحی است، فرشته به او تعلیم داده است. پس بر مردم لازم است که احکام و قوانین دین را از پیغمبر بشنوند و عمل کنند. به کار بستن آنها عبارت است از اطاعت خدا که به حکم عقل و تایید قرآن واجب است. آیه دلالت می‌کند که اطاعت از رسول خدا (ص)نیز واجب و لازم است. اطاعت از رسول، در ردیف اطاعت از خدا قرار گرفته و نباید غیر از آن باشد، معلوم می‌شود پیغمبر نیز دارای احکام و دستورهای مخصوص بوده بدان جهت واجب الاطاعه است.‌

رسول خدا(ص) علاوه بر مقام دریافت احکام خدا و ابلاغ آنها موظف بود احکام و قوانین الهی را در بین مسلمانان اجرا کند، جلوی تعدیات و مفاسد را بگیرد، امنیت و نظم عمومی را بر قرار سازد، اسباب رفاه و آسایش عموم ملت را فراهم نماید، در راه خدا ترقی و عظمت اسلام و مسلمانان کوشش کند، و به طور کلی به وسیله قوانین اجتماعی اسلام، امور اجتماعی اسلام، امور اجتماعی و سیاسی مسلمانان را به بهترین وجه اداره کند؛ یعنی از جانب خدا ماموریت داشت که بر مسلمانان حکومت و زمامداری کند. لزوم حاکم و حکومت اسلامی برای مسلمانان و اجرای احکام و قوانین الهی جهت حفظ و تامین سعادت و خوشبختی دنیوی و اخروی مسلمانان است.‌

لازمه حکومت این است که احکام و فرمان هایی صادر کند و طبق مصالح واحتیاج‌های گوناگون و حوادث و پیشامدهای متغیر دستورهایی بدهد مانند تعیین و نصب فرمانداران و قضات، دستور جهاد و دفاع، عزل و نصب فرماندهان سپاه، دستورهای مخصوص برای جهاد و پیروزی، ایجاد نظم و انضباط در بین دستگاه دولت اسلامی، جعل و تدوین احکام ضروری در حدود و شعاع احکام الهی و به طور کلی صادر کردن هر حکمی که برای اداره ملت ضرورت پیدا می‌کند.‌

این قبیل احکام را احکام ریاستی می‌نامیم. رسول خدا حق داشت بر طبق مصالح عمومی هر حکمی را که لازم بداند صادر فرماید. در همین احکام است که قرآن کریم رسول اکرم را در ردیف خدا قرار داده و اطاعتش را واجب نموده است، چنان که در آیه مذکور خواندیم.‌

علاوه بر این آیات دیگری نیز در قرآن هست که اطاعت از پیغمبر را لازم می‌داند؛ چنان که در سوره آل عمران آیه 123 آمده است که «واطیعوا الله و الرّسول لعلّکم ترحمون» از خدا و رسول اطاعت کنید شاید مورد مرحمت قرار گیرید. یعنی اطاعت از فرمان‌ها و دستورات خداوند و فرستاده او باعث نزول رحمت و الطاف الهی بر جامعه مسلمانان می‌شود. در سوره تغابن آیه 12 خداوند می‌فرماید: «و اطیعوا الرّسول و احذروا فان تولّیتم فاعلموا انّما علی رسولنا البلاغ المبین» از رسول خدا(ص) اطاعت کنید، اگر از دستوراتش سر پیچی نمایید بیش از تبلیغ وظیفه‌ای ندارد. یعنی عدم اطاعت از فرمان‌های فرستاده خداوند باعث زیان و ضرر جامعه و زندگی مسلمانان می‌شود چرا که هدف پیامبر از تبلیغ دین خدا، وظیفه و رسالتی است که خدا بر عهده او نهاده است و از این راه هیچ اجر و دستمزدی جز پاداش اخروی دریافت نمی کند بلکه هدفش سعادت امت و مسلمانان می‌باشد و در سوره مجادله آیه 13 چنین بیان شده: «اطیعوا الله و رسوله» از خدا و رسول اطاعت کنید.‌

از این قبیل آیات که در قرآن نظایر فراوانی دارد استفاده می‌شود که رسول خدا(ص) نیز دارای احکام و دستورهای خاصی بوده و بدان جهت خدا اطاعتش را واجب قرار داده است. وجوب اطاعت از رسول الله بالاستقلال نیست بلکه نوعی از اطاعت خداست، چون خدا او را واجب الاطاعه قرار داده اطاعتش واجب است. خداوند در قرآن سوره نساء آیه 80 می‌فرماید: «من یطع الّرسول فقد اطاع الله» هر کس از رسول اطاعت کند از خدا اطاعت نموده است. و در آیه 64 همین سوره آمده: «و ما ارسلنا من رسولٍ الّا لیطاع باذن الله» و ما رسولی را نفرستاده‌ایم مگر برای این که با اجازه خدا از او اطاعت شود.‌

بر مسلمان واجب است که احکام و دستورهای ریاستی رسول خدا(ص) را بدون چون و چرا در زندگی خود به کار بندد، چرا که قرآن کریم تصمیمات و خواسته‌های رسول خدا(ص) را بر خواسته‌های خود مردم مقدم داشته و می‌فرماید: «پیغمبر نسبت به مومنان از خودشان اختیار دارتر است.»‌در آیه اولوالامر که ذکر شد صاحبان امر را در ردیف خدا و رسول قرار داده و اطاعتش را واجب نموده است، معلوم می‌شود افرادی در میان مسلمانان هستند که اداره امور مردم در دست آنان است، حاکم و زمامدار می‌باشند و به اصطلاح قرآن اولوالامر و صاحبان امر هستند. آنان کسانی هستند که منصب زمامداری و صاحب الامری مخصوص رسول خدا(ص) به آنان رسیده است. آنان نیز مانند رسول الله حق دارند برای اداره امور اجتماعی ملت، احکام و دستورهایی را در حدود و شعاع احکام و قوانین الهی تدوین کنند و به اجرا درآورند. در همین احکام ریاستی است که قرآن کریم اطاعت از صاحبان امر را نیز واجب قرار داده است. بنابراین، دستورها و فرمان‌های رسول الله و صاحبان امر هر دو از یک سنخ است و با احکام خدایی تفاوت دارد. شاید به همین مناسبت باشد که در مورد اطاعت از رسول، لفظ اطیعوا تکرار شده و تردید نیست که صاحبان امر واجب الاطاعه هستند.‌مقصود از ولی امر کسی است که از جانب خدا برای زمامداری و امامت مسلمانان تعیین شده است. احکام و قوانین الهی منحصر به امور عبادی نیست بلکه در تمام شئون مادی و معنوی مردم جریان دارد. برای اداره ملت احکام سیاسی و جزایی و قضائی دارد. این مطلب نیز مسلم است که قانون اگر ضامن اجرا نداشته باشد نتیجه کامل نخواهد داد. پیغمبر که آورنده احکام و قوانین شریعت است همیشه در بین بشر باقی نمی‌ماند تا ضامن اجرا و حافظ احکام باشد. بدین جهت خداوند حکیم، افراد مخصوصی را برای زمامداری ملت و حفظ و اجرای احکام تعیین می‌کند. آن افراد برگزیده باید کلیه احکام و قوانین دین را بدانند، از عصیان و گناه و خطا و اشتباه محفوظ باشند، یعنی معصوم باشند. قرآن شریف این افراد را به عنوان اولوالامر معرفی نموده و در ردیف خدا و رسول قرار داده و اطاعتش را واجب کرده است. چون از گناه و خطا و اشتباه معصومند دستورهایشان همیشه در شعاع احکام الهی بوده و هرگز از مرز دیانت تجاوز نمی‌کنند. چون معصومند می‌توانند به طور کلی و بدون قید و شرط واجب الاطاعه باشند. در بین دستورهای آنان و احکام خدا و رسول هیچ گاه تزاحم و تعارض پیدا نمی‌شود. این آیه بسیاری از مسائل و مشکلات مسلمانان را در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی و اینکه در حل این مسائل از چه کسانی باید اطاعت نمود و چگونه به اهداف و آرمان‌های اساسی جامعه نایل گشت، حل نموده است